

اوضاع چندسطحی، درهم تنیده و بالکل متفاوت دانشگاه‌های ایران (از دولتی و آزاد تا پیام نور و غیرانتفاعی و علمی-کاربردی و...) نشان‌گر حضور، تأثیرگذاری و مدیریت سلاقی گوناگون و عدم انسجام ساختاری در این زمینه است. در نتیجه این پراکندگی، سیاست‌ها، روش‌ها و الگوهای ناهمگ و چندگانه‌ای بر آموزش و دانش کشور حاکم شده است و طبیعتاً آزاداندیشی در این فضا می‌تواند گاه به نقیض خود تبدیل شود و تنها پوششی ظاهری از آزاداندیشی را به همراه داشته باشد.

این حکم به‌ویژه درباره علوم اجتماعی صادق است که اگر اصول مطلقاً پذیرفته‌ای در آن‌ها باشد، بسیار اندک است. تحقیق در فضای شک و بی‌اعتمادی شکوفا نمی‌شود. آموزگاران و دانشجویان باید همواره در پژوهش، مطالعه و ارزیابی، و به دست آوردن کمال و فهم بیشتر آزاد باشند؛ در غیر این صورت تمدن ما رکود و افول خواهد یافت.»<sup>۴</sup>

### ۳. ایجاد حاشیه‌ای امن و آرام برای طرح دیدگاه‌ها

با تفکیک محدوده کرسی‌ها از حوزه اجتماعی-سیاسی و احیاناً انقلابی و حزبی اساتید نسبت به طرح دیدگاه خود اطمینان و آرامش بیشتری خواهند یافت و کرسی‌ها باید آن‌قدر منعطف و باز طراحی شوند که هیچ کدام از طراحان و منتقدان احساس نکند با طرح دیدگاه یا نقد خود به دام اخراج، پرونده‌سازی و... گرفتار خواهند شد.

### ۴. نیازسنجی از دیگر بخش‌ها

نهادهای گوناگون غیرعلمی گرفتار آسیب‌ها و مشکلات فراوانی‌اند که کرسی‌ها با ارتباطی علی‌السویه و دقیق می‌تواند به طرح مشکلات و بررسی پاسخ‌ها بپردازد. این نیازسنجی روحیه پرسش‌گری، انتقادپذیری و هماهنگی با جامعه را در کرسی‌ها تا اندازه قابل توجهی بالا می‌برد و کرسی‌ها را از انتزاعی شدن و دورافتادگی از عینیت رها خواهد ساخت.

### ۵. ایجاد دانشگاهی استاندارد

برنامه‌ریزی، طراحی و ایجاد دست‌کم یک دانشگاه (تاکید می‌کنم حتی یکی) در ایران بر اساس استانداردهای آموزشی و علمی جهان که از فضایی کاملاً علمی، غیرسیاسی و بدون جهت‌گیری خاص برخوردار باشد و بهترین اساتید، کارشناسان، درس، فضاها و امکانات آموزشی و کمک‌آموزشی را به جمعی محدود و ویژه از دانشجویان نخبه ارائه کند، می‌تواند نشان دهد که آزاداندیشی و رشد علمی ایران امری محال نیست و همچنین بارقه‌امیدی در دل مغزهای ایرانی مهاجر روشن کند که به کشور خود بازگردند و به تقویت و توسعه چنین فضاهای باز و پیش‌روی را ببندیشند و همت بگذارند. آزاداندیشی در دانشگاهی منسجم، پیشرفته و مستقل بسیار عملی‌تر خواهد بود تا در دانشگاهی بی‌قاعده، منسوخ و وابسته.

✽ علی‌رضا مازاریان دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه مشهد است و سال‌ها پژوهشگری و ویراستاری در زمینه علوم اسلامی را در کارنامه دارد.

پی‌نوشت:

۱. فوکو از هرگونه تفسیر مبتنی بر اصالت ماهیت ثابت روی‌گردان است، از جمله گفتمان‌های فراتاریخی را مردود می‌داند و با تکیه بر اصل گسست هر دوره از ادوار پیشین مدعی است که هر عصر ویژگی‌های خود را دارد. به همین جهت، برای بیان دوره‌های تاریخی از نظر گفتمان و دانایی از واژه اپیستمه یا انگاره و سامان دانایی سود می‌جوید. فوکو می‌گوید: اپیستمه عبارت است از مجموعه روابطی که در یک عصر خاص وحدت‌بخش کنش‌های گفتمانی است. این کردارها پدیدآورنده نظام‌های معرفتی است. و در توضیح این امر اضافه می‌کند که اپیستمه منظومه‌ای از مناسبات حاکم بر یک دوره است که دانش‌ها از دل بیرون می‌آیند. نگ به: میشل فوکو؛ دانش و قدرت، محمد ضیمران، ص ۵۲.

گروهی متشکل از نمایندگان وزارت علوم و جمعی از پژوهش‌گران و اساتید بی‌طرفانه و منصافانه الگوهای رقیب و نظیر کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌های جهان را به مطالعه بگذارند و ببینند حلقه واسط آموزش و پژوهش و تولید نظریه در آن مجامع علمی معتبر چیست و از چه مزایا و ویژگی‌هایی برخوردار است و بدین‌گونه از تجربه دیگران بیاموزند. همچنین از خنونت‌های ساختاری و غرض‌ورزی‌های موجود در مجامع علمی غرب (مانند ممنوعیت بحث از هولوکاست) نه با هدف تقلید و تقلید که برای برکناری و پرهیز مجامع علمی وطن خود، فهرستی مستند و ریز آماده سازند.

### ۲. حمایت علمی و حقوقی از کرسی‌ها

کرسی‌ها باید از تأثیرگذاری، اهمیت و کارکردی بهره داشته باشد که توجه دانش‌دوستانه و حتی سودجویانه صاحب‌نظران را جلب کند و آنان را به فکر و کار علمی بیشتر وادار کنند. مزایای گوناگون مادی و معنوی در این جهت تفاوتی ندارد و همگی در خدمت رونق‌یابی کرسی‌ها دانسته می‌شود. در جوامع پیشرفته پژوهش و نظریه‌پردازی اقدامی فی سبیل الله و برای ماندن در تاریخ نیست و کارکردی کاملاً اجتماعی، اقتصادی و حقوقی دارد.

برای نمونه، در اواخر دهه ۱۹۶۰ مفهوم آزادی آموزشی در بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق مدنی ایالات متحده پذیرفته شده و وارن، رئیس دادگاه عالی ایالات متحده در سال ۱۹۵۷ در تعریف ماهیت آزادی آموزشی اعلام داشته است: «لزوم آزادی در جامعه دانشگاه‌های آمریکا امری نسبتاً بدیهی است. هیچ‌کس نباید نقشی حیاتی در دموکراسی را دست‌کم بگیرد که از سوی کسانی که جوانان ما را راهنمایی و تربیت می‌کنند، ایفا می‌شود. تحمیل هرگونه تنگنایی بر رهبران روشنفکر مدارس عالی و دانشگاه‌ها می‌آیند کشور را به مخاطره می‌اندازد. هیچ‌یک از رشته‌های آموزشی بدان حد از احاطه نرسیده است که کشفیات تازه‌ای در آن ممکن نباشد.